

معلم و

مهارت دانش آموزان در

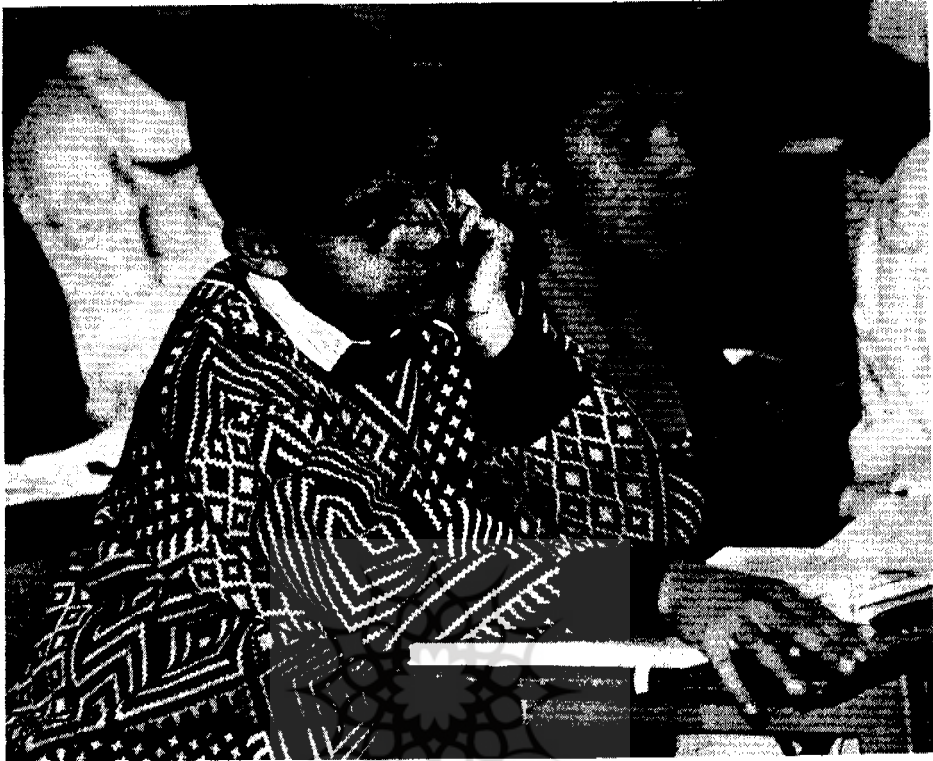
خواندن

در میان مهارتها و اکتسابهای آموزشی فرایند "خواندن"، به ویژه در سالهای آغازین مدرسه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اغلب کودکان قبل از ورود به مدرسه به گونه‌ای تجاری از مهارت نقاشی و نوشتن (رونویسی) را همراه داشته، با مفاهیم کمی ریاضی (مثل کم، زیاد، بزرگ، کوچک، کمتر، بیشتر، اول، دوم و ...) آشنا هستند. اما عموماً بهره‌ای از مهارت خواندن به معنای دقیق آن ندارند. فرایند خواندن مستلزم به‌کارگیری همزمان چندین مهارت و کنش حسی و ذهنی است. از همین رو بچه‌ها در سال اول مدرسه و پس از آن نیاز دارند که با صبوری و دقت و اکتساب مهارتهای پیش‌نیاز و تمرین مستمر، قابلیت خواندن را بیابند. به همین جهت معلمان متعهد و دلسوز نوآموزان در آموزش اساسی "خواندن" به آنها نقش بسیار مهمی بر عهده دارند و زحمت و تلاش قابل توجهی را متحمل می‌شوند.

"خواندن" هم برای بچه‌ها بسیار دلپذیر و لذت بخش است و هم برای اولیاء و مربیان آنها مطلوب و خوشایند می‌باشد.

بسیاری از معلمان دوره ابتدایی و کارشناسان روان‌شناسی و متخصصان تعلیم و تربیت از طریق بررسی چگونگی مهارت دانش‌آموزان





دانش آموزان از مهارت خواندن نشانی از هوشمندی آنهاست و زمینه مطلوب برای پیشرفت تحصیلی ایشان می باشد، این قبیل دانش آموزان با علاقه و انگیزه خاص، اوقات فراغشان را با خواندن کتابهای متنوع، خوشایند و دلچسب می نمایند؛ چراکه "خواندن" به معنای دستیابی به آثار مکتوب دیگران و شناخت قدرت تفکر و اندیشه های گوناگون انسانهای مولد و بهره گیری از تجارب و میراث ادبی، علمی، فنی و هنری تاریخ حیات آدمی؛ در تحول شخصیت و سازماندهی ذهنی و آرامش و بهداشت روانی انسان تأثیر بسزایی دارد.

امروزه برخی از محققان آثار بارز خواندن را

در امر "خواندن" می توانند رفتار تحصیلی ایشان را بطور جدی پیش بینی نمایند. به عبارت دیگر همواره یک رابطه و درجه همبستگی فوق العاده ای بین مهارت خواندن در دانش آموزان سالهای اول ابتدایی و میزان بهره هوشی و پیشرفت تحصیلی آنها مشاهده می گردد.

بدیهی است دانش آموزی که قادر است با علاقه و مهارت متن کتاب درسی، متون کتابهای کمک آموزشی و دیگر منابع مطالعاتی متناسب را بخواند و بفهمد، به راحتی می تواند با خواندن کتابهای ریاضی، علوم و علوم اجتماعی پیشرفت قابل ملاحظه ای نیز در این دروس داشته باشد. علاوه بر آن که سرخورداری

شناسایی دانش‌آموزانی که دچار مشکل در خواندن هستند

برای این که مربی بتواند گامی مؤثر در جهت اصلاح ضعف دانش‌آموزان در خواندن بردارد ناگزیر در ابتدای امر می‌بایست با شناسایی این قبیل دانش‌آموزان، سبب‌شناسی و تحلیل علت یا علل چنین ناتوانی را به کمک کارشناسان و متخصصان ذی‌ربط انجام دهد.

فرایند تشخیص

معلم‌ان بصیر و آگاه با صبوری و دقت مشکلات احتمالی دانش‌آموزان را در خواندن، در چهار سطح مورد ارزیابی قرار می‌دهند. مرحله اول شناسایی دانش‌آموزی است که قادر نیستند در سطح مورد انتظار متون درسی را بخوانند. در این مرحله معلم تصویر چندان روشنی از مشکل کودک ندارد. در مرحله دوم یا سطح دوم، مشکل دانش‌آموز بطور نسبتاً دقیقی تشریح شده و با استفاده از بعضی مقیاس‌های سنجش و ارزشیابی (آزمون روان‌خوانی، تلفظ و فهم واژگان و...)، مشخص می‌شود. به عنوان مثال، یک دانش‌آموز کلاس پنجم از نظر هوشی توانی برتر از سطح متوسط دارد، اما از نظر خواندن همانند بچه‌های کلاس دوم است.

در مرحله سوم تشخیص، پیش‌نیازها و نیازهای دانش‌آموز در خواندن مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. دانش‌آموز نیاز دارد که در زمینه تشخیص و درک لغات تمرین بیشتری نماید و مفاهیم اساسی را در متن کتاب درک

در دوره‌های مختلف رشد، به ویژه در دوره جنینی (زمانی که مادر برای جنین کتاب می‌خواند) مورد بررسی قرار داده، با دستیابی به نتایج بسیار چشمگیر، بر نقش "خواندن" در توسعه کنش‌های ذهنی، تقویت حافظه و آرامش روان کودکان، نوجوانان و بزرگسالان و نیز اثر درمانی خواندن (خواندن درمانی) در اصلاح برخی از اختلالات رفتاری نظیر اضطراب، افسردگی، کمرویی و فزون‌کنشی تأکید فراوان دارند.

در جامعه بزرگسالان و سالمندان نوسواد و کم‌سواد نیز همیشه به مهارت خواندن و سازش‌یافتگی‌ها توجه شده است، چراکه رابطه مستقیمی بین قدرت خواندن و سازگاریهای شغلی و حرفه‌ای و قابلیت‌های اجتماعی وجود دارد.

بنابراین تهیه و تولید مواد خواندنی مناسب و کاربردی می‌تواند در تقویت انگیزه خواندن و یادگیری پایدار و بالطبع افزایش قابلیت‌های شخصی و مهارت‌های اجتماعی نوآموزان و نوسوادان فوق‌العاده مؤثر واقع گردد و فرهنگ مطالعه را در میان قشرهای مختلف مردم توسعه دهد.

اما آنچه در کلاسهای درس، بخصوص مقطع ابتدایی مورد توجه است، کم‌توانی و ضعف مشهود بعضی از دانش‌آموزان در "خواندن" است. بدون شک شناسایی این قبیل کودکان و سبب‌شناسی ناتوانی یا کم‌توانایی آنها در خواندن و اتخاذ روشهای مؤثر در جبران و اصلاح این مشکل، از مهمترین رسالت‌های معلم‌ان و کارشناسان بصیر تعلیم و تربیت است.

- ۹- حرکات زاید لبها به هنگام خواندن به صورت صامت
 ۱۰- تلفظ نادرست کلمات
 ۱۱- حذف بعضی از حروف و کلمات به هنگام خواندن
 ۱۲- تکرار نامناسب جملات و کلمات
 ۱۳- جایگزین کردن کلمات
 ۱۴- بی‌علاقگی در خواندن
 ۱۵- عدم انگیزه برای مشارکت در فعالیتهای درسی، بخصوص خواندن

- ۱۶- نشان دادن واکنش هیجانی در موقعیت خواندن
 ۱۷- ناتوانی در انجام رضایت بخش تکالیف درسی
 ۱۸- بی‌ رغبتی نسبت به کتاب و کتاب خوانی

همان‌گونه که پیشتر اشاره گسردید دانش‌آموزانی که دچار ضعف جدی در خواندن هستند، غالباً از چند یا تمامی ویژگیهای مذکور برخوردارند. لذا شایسته است که معلمان متعهد در اولین فرصت ممکن با دقت و توجه کافی و با در نظر گرفتن معیارهای تشخیص، این دانش‌آموزان را شناسایی نمایند.

تشریح مشکل کودک

در مرحله دوم تشخیص، لازم است گزارشی دقیق از وضعیت و چگونگی خواندن کودک تهیه شود. در این مرحله لازم است از ابزارهای تشخیص و مقیاسهای ارزشیابی استفاده گردد تا امکان طبقه‌بندی نوع مشکل کودک در یادگیری فراهم آید.
 اغلب دانش‌آموزانی که در خواندن مشکل

کند. در مرحله چهارم ویا آخرین سطح تشخیصی، مربی با کمک کارشناسان متخصص تلاش می‌کند علت یا علل ضعف یا ناتوانی کودک را مشخص نماید. به عنوان مثال ممکن است مشخص شود که کودک از نظر حس بینایی، تیزبینی، قدرت شنوایی و یا رشد عاطفی مشکل قابل توجهی دارد.

معیارهای تشخیص در مرحله اول

در مرحله یا سطح اول تشخیص، نقش اصلی در شناسایی دانش‌آموزی که دچار مشکل در خواندن است، بر عهده معلم است. معلم رفتار تحصیلی و مهارت خواندن دانش‌آموزان را بطور دقیق مورد توجه قرار می‌دهد.

دانش‌آموز یا دانش‌آموزانی که در "خواندن" ضعیف هستند عموماً رفتارهای زیر را از خود نشان می‌دهند:

- ۱- ناتوانی در شناسایی و تشخیص حروف و کلمات چاپی
- ۲- ناتوانی در ادراک مفاهیم و معانی جملات و کلمات کتاب
- ۳- ناتوانی در فهم موضوع یا پیام اصلی متن
- ۴- ناتوانی در معنا کردن و تفسیر جملات یا موضوع مورد بحث در کتاب
- ۵- به زبان آوردن حروف و کلمات خارج از متن کتاب به هنگام خواندن، (به صورت حدس زدن)
- ۶- اشتباه در تلفظ حروف و کلمات
- ۷- سرعت فوق‌العاده آهسته در خواندن
- ۸- خواندن به صورت کلمه به کلمه، به جای روان‌خوانی جملات و سطرهای کتاب



دارند در یکی از گروه‌های زیر قرار می‌گیرند:
الف) گروه دانش‌آموزانی که بطور جدی
دچار ناتوانی یا ضعف در خواندن هستند.

ب) گروه دانش‌آموزانی که توانایی خواندن
آنها بطور قابل ملاحظه‌ای پایین‌تر از سطح مورد
انتظار است.

ج) گروه دانش‌آموزانی که با اختلال خاص
در خواندن مواجهند.

د) گروه دانش‌آموزانی که مشکل آنها در
خواندن به علت ظرفیت محدودشان در
یادگیری مهارت‌های درسی است.

برای اینکه مشخص کنیم آیا کودک مورد
مطالعه بطور جدی دچار ناتوانی در خواندن
است، می‌بایست به سؤالات زیر توجه کنیم و با
بررسی وضعیت کودک پاسخ لازمی برای آنها
داشته باشیم.

۱- آیا دانش‌آموز تجارب ناموفقی در
یادگیری "خواندن" در کلاس درس داشته
است؟

۲- آیا دانش‌آموز در سال اول مدرسه بطور
مرتب در کلاس درس حضور داشته است؟

۳- آیا دانش‌آموز به قدر کافی از مهارت زبان
شفاهی (محواره‌ای) برخوردار است؟ به
عبارت دیگر، آیا دانش‌آموز مشکلی در صحبت
کردن ندارد؟

۴- وضعیت دانش‌آموز در سایر درسها (غیر
از خواندن) چگونه است؟

۵- آیا دانش‌آموز به خاطر ضعف در خواندن
مورد تنبیه مکرر واقع شده است؟

۶- وضعیت کودک در خارج از کلاس و
مدرسه چگونه است؟ مثلاً از نظر رفتار
سازشی و دیگر مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی
در چه وضعیتی است؟

۷- پیشرفت کودک در دروس ریاضی
چگونه است؟

۸- شناخت و اطلاعات عمومی کودک
نسبت به زندگی و جهان اطراف چگونه است؟



۹- قدرت و میزان توجه و گوش دادن کودک به مباحث کلاس در چه وضعی است؟ آیا تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین هوش بهر و سطح خواندن کودک وجود دارد؟

برای اینکه مشخص شود مهارت "خواندن" در کودک مورد مطالعه بطور معنی داری در سطح مورد انتظار می‌باشد یا خیر، شایسته است در مورد نکات یا سؤالات زیر بیندیشیم:

۱- آیا بطور کلی کودک مورد نظر می‌تواند در حد کلاسی که قرار دارد و یا نزدیک به سطح کلاس از عهده "خواندن" برآید؟

۲- آیا تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین بهره هوشی کودک در آزمونهای استاندارد شده و توانایی اش در خواندن وجود دارد؟

۳- آیا تفاوت معنی داری بین سطح گوش دادن و مهارت خواندن در کودک مشاهده می‌شود؟

۴- آیا کودک از عملکرد خود در خواندن رضایت دارد؟

برای اینکه مشخص شود که کودک دچار اختلال خاص در یادگیری است، می‌بایست برای سؤالات زیر پاسخی مناسب داشته باشیم:

۱- آیا قابلیت و توانایی کودک در خواندن با سطح کلاسی که در آن قرار دارد متناسب است؟

۲- آیا مهارت عمومی کودک در خواندن با سن تقویمی او هماهنگ است؟

۳- آیا مهارت و پیشرفت کودک در خواندن با سن ذهنی او متناسب دارد؟

۴- آیا اختلال کودک در خواندن تأثیر نامطلوبی بر سازش یافتگی رفتاری او گذارده است؟

برای اینکه معلوم شود مشکل خواندن

کودک به طور کلی به ظرفیت محدود او در اکتسابهای آموزشگاهی مربوط می‌شود، شایسته است به نکات زیر اندیشه کنیم و پاسخ مناسبی برای آنها داشته باشیم:

۱- آیا ظرفیت و توانایی کلی کودک در یادگیری مطالب درسی و پیشرفت تحصیلی پایین‌تر از سن تقویمی همسالانش است؟

۲- آیا کودک در یادگیری اغلب دروس مدرسه و پیشرفت تحصیلی با مشکل جدی مواجه است؟

۳- آیا کودک برای فهم دروس و تکالیف درسی همواره نیاز به راهنمایی و توضیحات اضافی دارد؟

۴- آیا دانش آموز در کلاسهایی که عمدتاً جنبه تکراری دارد بیشتر احساس آرامش خاطر می‌نماید؟

۵- آیا این کودک برای یادگیری موضوعات درسی بیشتر از همسالان خود نیاز به تمرین و تکرار دارد؟

شفاهی و توان او در خواندن می‌تواند شاخص خوبی برای تعیین عملکرد مطلوب یا نامطلوب وی در "خواندن" باشد.

۶- آیا این کودک غالباً در ارتباط با تکالیفی که ماهیت انتزاعی دارند بیشتر دچار مشکل می‌شود؟

۷- آیا تفاوتی بین تراز هوشی و سطح خواندن کودک وجود دارد؟

۸- آیا بین قابلیت کودک در گوش دادن و مهارت او در خواندن اختلافی مشاهده می‌شود؟

معیار تشخیص برای شناسایی و

طبقه‌بندی دانش‌آموزان از نظر "خواندن"

بعضی از محققان (هریس، ۱۹۸۰) برای سهولت امر، فرمولی را برای شناسایی دانش‌آموزان ضعیف در "خواندن" به معلمان کلاس پیشنهاد کرده‌اند. آقای هریس فرمول نسبتاً مناسبی را برای شناسایی دانش‌آموزانی که در خواندن با ضعف قابل ملاحظه‌ای مواجه هستند پیشنهاد داده است.^۳ فرمول سطح سنی مورد انتظار در خواندن هریس بدین صورت است که سطح سنی مورد انتظار از فرد در خواندن، قابلیت بالقوه او را در خواندن مشخص می‌نماید. به عبارت دیگر بالاترین سطح مهارت خواندن نسبتی است از سن ذهنی و سن تقویمی فرد. فرمول ارائه شده به شرح زیر است:

سن تقویمی = (سن هوشی) × ۲ = سطح سنی مورد انتظار در خواندن

۳

سن هوشی کودک با آزمونهای استاندارد هوش تعیین می‌شود. سن تقویمی کودک نیز تاریخ تولد اوست که در شناسنامه‌اش ثبت است. همیشه سن هوشی و سن تقویمی با سال و ماه نگاشته می‌شود و برای آسان کردن کار ابتدا سال را به ماه تبدیل کرده، سن هوشی و سن تقویمی دانش‌آموزان را بر حسب ماه محاسبه و یادداشت می‌نماییم. آنگاه در فرمول مذکور در قسمت بالا عدد ۲ را در سن هوشی

تعیین قابلیت شاگردان در "خواندن"

یکی از مهمترین معیارهای تشخیص ناتوانی کودک در خواندن فاصله‌ای است که بین توانمندی بالقوه کودک در خواندن و توان فعلی وی در خواندن مشاهده می‌شود.

اما سؤال این است که چگونه می‌توانیم توانایی و قابلیت بالقوه کودک را در خواندن مشخص نماییم؟ یکی از روشهای متداول پیش‌بینی قابلیت بالقوه کودک در خواندن، تعیین میزان هوش‌بهر او می‌باشد. مناسب‌ترین مقیاسهای هوشی برای تعیین هوش‌بهر کودکان، هوش آزمای انفرادی تهران - استنفرد - بینه (T. S. B.) و آزمون تجدید نظرشده و کسلر کودکان (WISC - R) می‌باشد. با این آزمونها بطور انفرادی می‌توان هوش عمومی کودکان را مورد ارزیابی و سنجش قرار داد، بدون آنکه از کودکان بخواهیم چیزی بخوانند. البته این آزمونها می‌بایست به توسط روان‌شناس آزموده و مجرب مورد استفاده قرار گیرد. میزان توانایی کودک در گوش دادن و فهم مطالب (خواندن یا توضیح شفاهی موضوع)، رابطه مستقیمی با توان او در خواندن دارد. بنابراین مقایسه مهارت دانش‌آموز در فهم و ادراک مطالب

۱۳۹ ماه را مجدداً بر حسب سال محاسبه می‌کنیم ($11/7 = 12 : 139$). بدین ترتیب داوود از نظر خواندن همانند یک کودک ۱۱ سال و ۷ ماهه است. به عبارت دیگر داوود از نظر خواندن در وضعیت مطلوبی قرار دارد.

خلاصه آن که بعد از شناسایی و طبقه‌بندی آن دسته از دانش‌آموزان کلاس که از نظر خواندن دچار مشکل هستند، نیازهای آموزشی آنها را نیز تبیین می‌کنیم و با کمک کارشناسان مجرب و متخصصان ذی‌ربط در صدد سبب‌شناسی نارسایی‌های احتمالی زیستی، حسی، شناختی و روانی آنها برمی‌آییم.

که به ماه محاسبه شده است ضرب نموده، آن را با سن تقویمی که آن هم به ماه شخص شده است جمع می‌کنیم و سپس مخرج کسر را بر عدد ۳ تقسیم می‌نماییم. نتیجه حاصل توانمندی کودک را در "خواندن" مشخص می‌کند. مثلاً داوود ۱۰ سال و ۶ ماه و یا ۱۲۶ ماه ($10 \times 12 + 6 = 126$) سن دارد و سن هوشی او براساس آزمون انجام شده هوش، ۱۲ سال و ۲ ماه است، یعنی ۱۴۴ ماه ($12 \times 12 + 2$). حالاً وضعیت داوود را در فرمول زیر بررسی می‌کنیم.

$$\frac{2(144) + 126}{3} = \frac{414}{3} = 139 \text{ ماه}$$

پاورقیها:

۱- این آزمون در دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران به توسط مؤلف و دکتر هومن و با همکاری جمعی دیگر از استادان دانشکده، از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۷۱ هنجاریابی شده و قابل استفاده است.

2 - HARRIS, A.

3 - HARRIS EXPECTANCY AGE FORMULA (HEAF)

4 - READING EXPECTANCY AGE = $\frac{2M.A. + C.A.}{3}$

منابع:

- ۱- افروز، غلامعلی (۱۳۷۴)، روان‌شناسی تربیتی کاربردی، انتشارات دفتر مرکزی انجمن اولیاء و مربیان
- ۲- افروز، غلامعلی (۱۳۷۴)، روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، چاپ چهاردهم، دانشگاه تهران

3 - HARRIS, ALBERT (1981), HOW TO INCREASE READING ABILITY, N.K, LONGMAN.

4 - DURRELL, DONALD (1980), ANALYSIS & READING DIFFICULTY N.K, PSYCHOLOGICAL CORPORATION, 2 INTZ, MILES (1980), READING PROCESS. BROWN CO. N.T.